مقاله پژوهشی
Original Article

بررسی رابطهٔ سبک و تنیدگی فرزندپروری با رضایت زناشویی مادران دارای کودکان پرخاشگر

*زهرا علوی[۱]، غلامعلی افروز[۲]، سوگند قاسم‌زاده[۳]

Explore the relationship between parenting stress, parenting style and marital satisfaction of mothers with aggressive children

*Alavi z.[1]; Afrooz G.A.[2], Ghasemzadeh S.[3]

چکیده

هدف: پرخاشگری رفتار ناشی از احساس ناکامی، ارائهٔ محرک‌های آزاردهنده به دیگری و ناتوانی در کنترل خشم است. پرخاشگری با هدف دفاع و جنگ و تخریب صورت می‌گیرد و موجب صدمه به شخص، شیء یا سیستم می‌شود. هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی رابطهٔ رضایت زناشویی با سبک و تنیدگی فرزندپروری مادران دارای کودکان پرخاشگر بود.

روش‌بررسی: جامعهٔ آماری پژوهش حاضر شامل تمامی مادران دارای دانش‌آموز پرخاشگر در پایه‌های اول تا ششم ابتدایی مدارس شهر تهران است. یکصد و ده نفر از مادرانی که نمرهٔ پرخاشگری فرزندشان در ارزیابی سیاهه از رفتار کودک، زیاد (سطح مرزی و بالینی) بود، پرسشنامه‌های رضایت زناشویی، سبک فرزندپروری و تنیدگی فرزندپروری را تکمیل کردند. داده‌های حاصل با استفاده از نرم‌افزار SPSS و روش تحلیل رگرسیون چندمتغیره تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج تجزیه‌وتحلیل آماری اطلاعات نشان دادند که متغیر فرزندپروری مستبدانه، رابطهٔ منفی با رضایت زناشویی دارد ($r=۰/۲۶$، $p<۰/۰۱$). یافتهٔ بعدی حاکی از آن بود که سبک فرزندپروری مقتدرانه، رابطهٔ مثبت با متغیر رضایت زناشویی دارد ($r=۰/۲۷$، $p<۰/۰۱$). همچنین نتایج نشان دادند که بین متغیرهای سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و رضایت زناشویی، رابطهٔ معناداری وجود ندارد ($r=-۰/۰۲$، $p>۰/۰۵$). از بین سبک‌های فرزندپروری، تنها سبک مقتدرانه توان پیش‌بینی رضایت زناشویی را دارد ($p=۰/۰۳$) که این خود نشان‌دهندهٔ اهمیت رضایت زناشویی در شیوهٔ فرزندپروری است.

نتیجه‌گیری: هنگام بروز مشکلات در نظام خانواده باید نقش‌ها، مسئولیت‌ها و شیوهٔ فرزندپروری قبلی بازنگری شده و یک سازمان‌دهی مجدد انجام شود.

کلیدواژه‌ها: سبک فرزندپروری، تنیدگی فرزندپروری، رضایت زناشویی، کودکان پرخاشگر.

Abstract

Objective: Aggressive behavior stems from feelings of frustration, annoying provide stimulus to another, and the inability to control anger is to defend, wars and destruction carried and cause injury to a person, object or system. This study aimed to investigate the relationship between stress and parenting satisfaction parity with mothers of children with aggressive style.

Methods: The study sample consisted of all mothers of aggressive students in grades one through six elementary schools in Tehran. 110 mothers of children in the evaluation of Child Behavior Checklist aggression scores were high (clinical and borderline levels), satisfaction surveys parity, style Parenting and parenting stress were completed. Data using SPSS software and analyzed using multiple regression analysis.

Results: Results of statistical analysis showed that variables related to authoritarian parenting satisfaction parity is negative ($p<0.01$; $r=-0.26$). The findings suggest that authoritative parenting style is positively correlated with the variable parity satisfaction ($p<0.01$; $r=0.27$). The results showed a significant relationship between the variables of parity not style landscape and the satisfaction ($p>0.05$; $r=-0.02$), and The only authoritative style of parenting styles and the satisfaction of parity prediction is that this reflects the importance of parity in the way of parenting is satisfying ($p=0.03$).

Conclusion: When you have problems in the family system roles, responsibilities and parenting practices are reviewed prior to performing a reorganization.

Keywords: parenting styles, parenting stress and marital satisfaction, aggressive children.

دریافت:۱۳۹۳/۸/۲۹
پذیرش:۱۳۹۳/۱۱/۷

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی شخصیت، دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران؛ ۲. دکتری روانشناسی کودکان استثنایی، استاد ممتاز دانشگاه تهران ،تهران، ایران؛ ۳. دکتری روانشناسی کودکان استثنایی، استادیار دانشگاه تهران، تهران، ایران.*رایانامهٔ نویسندهٔ مسئول: Zahra_alavi27@yahoo.com

1. Master of Personality Psychology, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran; 2. PhD in Exceptional Child Psychology, Distinguished Professor, University of Tehran, Tehran, Iran; 3. PhD in Exceptional Child Psychology, Assistant Professor University of Tehran, Tehran, Iran.*Corresponding Author's Email: Zahra_alavi27@yahoo.com

MEJDS, Vol 5, Serial No. 11, 2015, 230-241
مجله مطالعات ناتوانی، دوره ۵، شماره پیاپی ۱۱، ۱۳۹۴، ۲۴۱ - ۲۳۰
Accepted:27/1/2015
Submitted:20/11/2014
[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.22222840.1394.5.0.1.5]

مقدمه

پرخاشگری[1] رفتار ناشی از احساس ناکامی، ارائه محرک‌های آزاردهنده به دیگری و ناتوانی در کنترل خشم است که با هدف دفاع، جنگ و تخریب صورت می‌گیرد و و موجب صدمه به شخص، شیء یا سیستم می‌شود (۳ـ۱). کودکان از یک‌سالگی اغلب به‌خاطر اسباب‌بازی، رفتار پرخاشگرانه را در ارتباط با همسالان بروز می‌دهند. با بزرگ شدن کودکان، رفتار پرخاشگرانهٔ آن‌ها از وسیله، به‌سمت خصمانه پیش رفته و رنگ خصمانه به خود می‌گیرد. این رفتار پیچیده می‌تواند به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم، فعالانه یا انفعالی، کلامی یا غیرکلامی و با قدرت متفاوت ابراز شود (۵ـ۴). یافته‌های پژوهشی نشان داده، کودکانی که به شدت پرخاشگر هستند، نه‌تنها به دفعات بیشتری پرخاشگری می‌کنند بلکه رفتارشان از لحاظ کیفی هم با سایر کودکان تفاوت دارد. همچنین نتایج مطالعات حاکی از آن است که معمولاً فرزندان ارشد پرخاشگری کمتری از خود نشان می‌دهند و احساس گناه در آن‌ها شدیدتر است. به‌علاوه پسرها پرخاشگرتر از دخترها هستند (۷-۵).

در بروز پرخاشگری عوامل زمینه‌ساز، آشکارساز و تداوم‌بخش بسیاری وجود دارد. پیشینهٔ سوءرفتار جسمی و عاطفی فرد، زندگی با فردی غیر از پدر و مادر، زندگی در خانواده‌ای گسسته، تجربهٔ تنیدگی و استرس، شاهد صحنه‌های ناخوشایند و یا زدوخورد و جنگ و دعوا بودن، تماشای فیلم‌های خشونت‌آمیز، انجام ورزش‌های خشن، تهدیدها، ناکامی‌ها، بی‌عدالتی و در معرض مخالفت واقع‌شدن و موانعی این چنین که بر سر راه افراد قرار می‌گیرد، از عوامل پرخاشگری محسوب می‌شوند (۳،۸،۹). در این میان عامل خانواده، مهمترین علل تداوم‌بخش محسوب می‌شود. مؤلفه‌های مرتبط با عوامل خانواده در بروز مشکلات برونی‌سازی‌شده‌ای چون پرخاشگری، سبک فرزندپروی[2] و به‌دنبال آن تنیدگی و استرس حاصل از روش‌های غلط و به‌تبع آن اثر بر رضایت زناشویی است (۱،۶،۱۰).

رضایت زناشویی[3]، رضایت متقابل زن و شوهر از جاذبه های روانی- جنسی یکدیگر و برخورداری از بیشترین احساس آرامش و امنیت روانی در زندگی مشترک است (۱۱). این وضع موجود متأثر از عوامل مختلفی چون درک متقابل زوجین از رفتار و ویژگی‌های یکدیگر، نگرش آن‌ها به نقش ارتباط در زندگی زناشویی، نحوهٔ حل تعارض‌ها و کشمکش‌ها، میزان رضایت مدیریت مالی خانواده، اوقات فراغت، روابط عاطفی و جنسی، باورهای مذهبی و توافق دربارهٔ داشتن فرزند و درک واقع‌بینانه از تأثیر فرزندان بر روابط زناشویی است (۱۶ـ۱۲). پژوهشگران بسیاری معتقدند رضایت زناشویی، متغیر مهم در حوزهٔ خانواده است. این متغیر در حفظ تعادل زندگی و جو عاطفی، برقراری سلامت روانی اعضای خانواده، مصونیت بیشتر در برابر بیماری ها و ایمنی فیزیولوژیکی نقش دارد. همچنین این رضایت در کاهش افسردگی و کاهش احساس تنهایی، مقابله با فشارهای زندگی، داشتن عملکرد مناسب در زندگی و تعامل با فرزندان، کاهش مشکلات رفتاری فرزندان و افزایش تعامل فرزندان با همسالان در محیط مدرسه مؤثر است (۱۹-۱۶).

باتوجه به اینکه رضایت زناشویی در حوزه‌های فوق نقش دارد، یکی از عوامل مؤثر برای مقابله با تنیدگی‌ها و فشارهای زندگی و داشتن عملکرد مناسب در زندگی و تعامل با فرزندان به حساب می‌آید (۱۸). به اعتقاد آلدر نیز رضایت زناشویی و کیفیت این رابطه بر سلامت روانی اعضای خانواده، مصونیت بیشتر در برابر بیماری‌ها و ایمنی فیزیولوژیکی تأثیر می‌گذارد؛ او همچنین معتقد است که مشکلات ارتباطی زناشویی به‌طور مثبت با اختلال‌های اضطرابی، بدکارکردی جنسی و افسردگی در زنان و سوءمصرف مواد و الکل در مردان و مشکلات رفتاری در کودکان پسر رابطهٔ مثبت دارد

[1]. Aggression

[2]. Parenting Styles

[3]. Marital Satisfaction

MEJDS, Vol 5, Serial No. 11, 2015, 230-241
[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.22222840.1394.5.0.1.5]

(۱۷). رضایت‌مندی و سازگاری زناشویی در بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی افراد تأثیر داشته و ایفای نقش والدینی را آسان می‌سازد و بر اتخاذ سبک فرزندپروری مناسب به‌طور مستقیم مؤثر است (۲۰).

فرزندپروری فعالیت پیچیده‌ای شامل مهارت ها و رفتارهایی است که به‌طور مجزا یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارد. افرادی همچون اسکینر[۱]، ادلر[۲]، شیفر[۳]، باتوم[۴] و بامریند[۵] انواع سبک های فرزندپروری را معرفی کرده‌اند که معتبرترین این نظریه‌ها توسط بامریند ارائه شده است. بامریند (۲۱) دریافت که فرزندپروری دو جنبهٔ گسترده دارد: جنبهٔ اول، پرتوقع بودن است؛ برخی از والدین، معیارهای عالی برای فرزندان‌شان مقرر می‌کنند و از آن‌ها توقع دارند که این معیارها را برآورده سازند؛ والدین دیگر، توقع خیلی کمی دارند و به‌ندرت سعی می‌کنند رفتار فرزندان‌شان را تحت تأثیر قرار دهند. جنبهٔ دوم، پاسخ‌دهی است. برخی والدین، در برابر فرزندان خود، پذیرا هستند و به درخواست‌های آن‌ها پاسخ می‌دهند؛ آن‌ها غالباً به بحث آزاد و گفتگو با فرزندان‌شان می‌پردازند. برخی والدین هم، طردکننده و بی‌اعتنا هستند (۲۲). براساس این موضوع بامریند سه نوع سبک فرزندپروری را تعیین کرده است: مستبدانه، آزادمنشانه و سهل‌گیرانه (۲۱).

اساس شیوه‌های فرزندپروری مبین تلاش‌های والدین برای رشد و آموزش و تربیت کودکان‌شان است؛ زیراکه والدگری ضعیف با اثرات قابل توجهی بر سلامت رفتاری و هیجانی فرزندان همراه خواهد بود (۲۸ـ ۲۳). مهارت‌های فرزندپروری والدین بنابه نتایج پژوهش‌های مختلف با متغیرهای گوناگونی از قبیل قضاوت اخلاقی (۳۱ـ۲۹)، شایستگی شناختی و اجتماعی (۳۲،۳۳)، خودپیروی و استقلال (۳۴)، اضطراب (۳۵)، پیشرفت تحصیلی و خودنظم‌دهی (۳۶)، خشونت (۳۷)، سازگاری (۳۸)، رفتارهای پرخاشگرانه (۳۹) و خوداتوان‌سازی (۴۰) رابطه دارد.

پژوهشگران معتقدند یکی از ابعاد بسیار مهمی که تحت تأثیر رضایت زناشویی قرار دارد، مهارت‌های فرزندپروری والدین در خانواده است. به‌عبارت دیگر اختلاف زناشویی می‌تواند منجربه اعمال کنترل و رفتار خشن به فرزندان شود. در مقابل انتظار می‌رود روابط زناشویی توأم با محبت و تفاهم، با صمیمیت و آزادی بیشتری در مهارت‌های فرزندپروری همراه شود (۴۳ـ ۴۱، ۳۱،۲۹،۱۶،۱۳). به اعتقاد واتسون (۲۰) رضایت‌مندی و سازگاری زناشویی در بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی افراد تأثیر داشته و ایفای نقش والدینی را آسان می‌سازد. نتایج پژوهشی بر روی ۹۶ زوج دارای حداقل یک فرزند نشان داد که رضایت زناشویی با افزایش ابراز احساسات و علاقه در هنگام کار با کودک افزایش یافته و سطح تنیدگی آن‌ها نیز کاهش می‌یابد (۴۴). پژوهشگران (۴۵) معتقدند که رضایت زناشویی بهترین پیش‌بینی‌کنندهٔ مشکلات مربوط به فرزندپروری است. هنگامی‌که سطح رضایت زناشویی پدر و مادر پایین است، آن‌ها به‌عنوان یک تیم عمل نکرده و همچنین تعامل بین آن‌ها منفی‌تر می‌شود.

تنیدگی فرزندپروری[۶] در کنار سبک فرزندپروری و رضایت زناشویی، از مؤلفه‌های مؤثر در بروز پرخاشگری است. تنیدگی فرزندپروری نوعی اضطراب افراطی است که به نقش والد و تعاملات والد- کودک وابسته است. برداشت والدین از رفتار کودک، دردسترس‌بودن منابع کمک به آن‌ها در فرزندپروری و احساس شایستگی‌های آن‌ها در ارتباط با بزرگ‌کردن فرزندان، همگی عناصر مهمی در این تعریف هستند (۲۹). انسان پیوسته درحالت تنیدگی به سر می‌برد، چراکه تنیدگی پاسخ غیراختصاصی بدن در برابر هرگونه

۱. Skiner

۲. Adler

۳. Batum

۴. Chiffer

۵. Baumrind

۶. Parenting Stress

مجله مطالعات ناتوانی، دوره ۵، شماره پیاپی ۱۱، ۱۳۹۴، ۲۴۱ ـ ۲۳۰

MEJDS, Vol 5, Serial No. 11, 2015, 230-241

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22222840.1394.5.0.1.5]

MEJDS, Vol 5, Serial No. 11, 2015, 230-241

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22222840.1394.5.0.1.5]

درخواستی است. تنیدگی‌زا تلقی‌کردن یک حادثه، بستگی به ماهیت حادثه، ذهنیت فرد و نیز چاره‌ها، دفاع و راهبردهای مقابله‌ای و ویژگی‌های شخصیتی، هوشی و انگیزشی فرد دارد. مطالعات نشان داده‌اند که تنیدگی زیاد و مداوم، فرد را در مقابل بیماری‌های جسمی، فیزیولوژیکی و برخی اختلالات روانی چون افسردگی آسیب‌پذیر می‌کند (۴۸ـ۴۶). تنیدگی مفهومی است که در مطالعات زناشویی اخیر بدان توجه شده است (۴۹،۵۰). در یک بررسی با ۴۰ زوج هر دو شاغل، نشان داده شد که بین رابطه و رضایت زناشویی با تنیدگی، اضطراب و احساس گناه در مادران، ارتباط وجود دارد. هرچه رضایت زناشویی بالاتر، تنیدگی کمتر است (۵۱). سایر پژوهشگران نیز اذعان دارند که بین رضایت زناشویی و تنیدگی رابطه وجود دارد (۵۲).

بررسی‌های فعلی نشان داد بین رضایت زناشویی با سبک و تنیدگی فرزندپروری رابطه وجود دارد؛ اما تعداد یافته‌هایی که این نتیجه را ثابت کنند به حد کافی نبوده است و خلاء پژوهش در این زمینه کاملاً احساس می‌شود. براساس آنچه گفته شد، هدف کلی این پژوهش بررسی رابطهٔ رضایت زناشویی با سبک و تنیدگی فرزندپروری مادران با کودکان پرخاشگر است.

روش بررسی

این پژوهش از نوع همبستگی است. رضایت زناشویی به‌عنوان متغیر ملاک و سبک فرزندپروری و تنیدگی فرزندپروری متغیر پیش‌بین هستند. همچنین دامنهٔ سنی و جنسیت فرزندان، به‌عنوان متغیر کنترل در نظر گرفته شد؛ به‌این‌صورت که همهٔ دانش آموزان دختر بوده و دامنهٔ سنی آنان از بین ۷ تا ۱۲ سال بود. جامعهٔ آماری پژوهش حاضر شامل تمامی مادران دانش‌آموزان پرخاشگر در پایه‌های اول تا ششم ابتدایی مدارس در شهر تهران بود. با روش نمونه‌گیری در دسترس، ۳ مدرسه از یکی از مناطق آموزش‌وپرورش شهر تهران انتخاب شد. سپس از بین مادران دانش‌آموزان این مدارس، ۱۱۰ نفر که نمرهٔ پرخاشگری فرزندشان در ارزیابی سیاههٔ رفتاری کودک بالا بود و داوطلب تکمیل پرسشنامه بودند، پرسشنامه‌های رضایت زناشویی، سبک فرزندپروری و تنیدگی فرزندپروری را تکمیل کردند. در پژوهش حاضر منظور از کودکان پرخاشگر همان دانش‌آموزانی هستند که به‌وسیلهٔ ارزیابی سیاهه رفتاری کودک در سطح مرزی و بالینی تشخیص داده شده‌اند. شرکت افراد در این پژوهش به‌صورت داوطلبانه و با کسب رضایت‌نامه بوده و اطلاعات مربوط به افراد بدون نام و تنها با کد شناساننده تجزیه‌وتحلیل شد. در ابتدای پژوهش ضمن ارائهٔ توضیحات کافی به تمام داوطلبین شرکت در پژوهش (دانش‌آموزان و والدین‌شان) دربارهٔ اهمیت و شیوهٔ اجرای پژوهش، توضیح داده شد.

سیاههٔ رفتاری کودک (CBCL)[1]: نظام سنجش مبتنی‌بر تجربهٔ آخنباخ (۱۹۹۱) شامل مجموعه‌ای از فرم‌ها برای ارزیابی شایستگی‌ها، کارکرد انطباقی و مشکلات رفتاری است. این فرم‌ها عبارتند از: سیاههٔ رفتاری کودک، پرسشنامهٔ خودسنجی و فرم گزارش معلم. این پرسشنامه‌ها براساس مقیاس‌های مبتنی‌بر تجربه و مقیاس‌های مبتنی بر DSM-IV تنظیم شده است؛ مقیاس‌های مبتنی‌بر تجربه شامل اضطراب ـ افسردگی، گوشه‌گیری ـ افسردگی، شکایات جسمانی، مشکلات اجتماعی، مشکلات تفکر، مشکلات توجه، رفتار قانون‌شکنی و رفتار پرخاشگری است. نتایج نشان داده که ضریب آلفای مقیاس‌ها در سطح رضایت‌بخشی قرار دارد و دامنهٔ آن از ۰/۶۴ تا ۰/۸۱ است (۵۵ـ۵۳). پایایی این آزمون توسط آخنباخ ۰/۸۷ گزارش شده است (۵۶). در پژوهشی که توسط مینایی (۵۷) انجام شد، میانگین همبستگی برای پسران ۴ تا ۱۱ سال، ۰/۷۵ بود و برای پسران ۱۲ تا ۱۸ سال، ۰/۷۲ محاسبه شد. همچنین برای دختران ۴ تا ۱۱ سال ۰/۶۵ و دختران ۱۱ تا ۱۸ سال ۰/۶۹ محاسبه شد. این پرسشنامه به‌عنوان ابزار غربالگری استفاده می‌گردد.

مقیاس رضایت زناشویی: ابزار استفاده‌شده در این پژوهش، پرسشنامهٔ رضایت زناشویی افروز، فرم کوتاه ۵۱ سؤالی است. این مقیاس جهت ارزیابی میزان رضایت همسران برای فرهنگ جامعهٔ ایرانی در سال

[1]. Child Behavior Checklist System

MEJDS, Vol 5, Serial No. 11, 2015, 230-241

۱۳۸۷ توسط افروز، طراحی و سپس توسط افروز، پاشا شریفی، اژه‌ای و قدرتی (۵۸) هنجاریابی شده است. پرسشنامهٔ رضایت زناشویی افروز از ۱۰ خرده‌مقیاس تشکیل شده است که شامل: مطلوب‌اندیشی همسران، رضایت زناشویی، افکارهای شخصی، افکارهای ارتباطی و اجتماعی، روش حل مسئله، امور مالی و فعالیت‌های اقتصادی، احساس و رفتار مذهبی، روش فرزندپروری، اوقات فراغت و تعامل احساسی است. ضریب اعتبار کل مقیاس رضایت زناشویی افروز به شیوهٔ آلفای کرونباخ محاسبه شده است که آلفای کرونباخ معادل ۰/۹۵، نشان‌دهندهٔ اعتبار کل مقیاس بوده است. روایی هم‌زمان نمرات زوجین در این مقیاس با نمرات آن‌ها در پرسشنامهٔ «رضایت زناشویی انریچ» معنادار بوده است (۵۸). در پژوهش حاضر، این پرسشنامه توسط مادران دانش‌آموزان پرخاشگر تکمیل شده است.

تنیدگی والدینی: این پرسشنامه در سال ۱۹۹۵ توسط بری و جونز برای سنجش تنیدگی والدینی، طراحی شده است و دارای ۱۸ گویه است. گویه‌ها خوشایندبودن و جنبه‌های مثبت وظایف والدینی و همچنین جنبه‌های منفی آن را بررسی می‌کنند. پژوهشگران اعتبار درونی[1] و اعتبار آزمون[2]ـ پس‌آزمون این مقیاس را به‌ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۸۰ گزارش کردهاند (۵۹). در بررسی مقدماتی که به‌منظور تعیین اعتبار مقیاس ترجمه شده به زبان فارسی بر روی ۲۳ مادر انجام شد، اعتبار آزمونـ پس‌آزمون با فاصلهٔ زمانی یک هفته ۰/۷۸ به دست آمد. مزیت نسبی این مقیاس در مقایسه با سایر ابزارهای مشابه، کمتربودن تعداد گویه‌های آن و در نتیجه کوتاه‌تر بودن آن است که استفاده از آن را برای والدین مطلوب‌تر می‌کند (۶۰).

سبک فرزندپروری: این پرسشنامه توسط بامریند (۲۱) طراحی شده است. این پرسشنامه براساس الگوی رفتاری سهل‌گیر، مستبدانه و آزادمنشانه تدوین شده است. پرسشنامهٔ فوق شامل ۳۰ گویه است. روایی پرسشنامه توسط اسفندیاری (۶۱) بررسی شده است و این تحقیقات روایی و پایایی قابل قبولی را دربارهٔ این پرسشنامه گزارش داده‌اند. در پژوهشی که اسفندیاری انجام داد از ۱۰ نفر صاحب‌نظر روان‌شناسی و روان‌پزشکی خواسته شد، میزان روایی هر سؤال از پرسشنامه را مشخص کنند، نتیجه نشان داد که پرسشنامه دارای روایی صوری است. میزان پایایی برای شیوهٔ آسان‌گیر ۰/۶۹، شیوهٔ مستبدانه ۰/۷۷ و برای شیوهٔ اقتدارطلب ۰/۷۳ به دست آمد (۶۱). در پژوهش حاضر، این پرسشنامه توسط مادران دانش‌آموزان پرخاشگر تکمیل شده است.

یافته‌ها

براساس اطلاعات به‌دست‌آمده از سؤالات جمعیت‌شناختی از بین ۱۱۰ نفر مادر گروه نمونه، ۷۰ نفر (۶۳/۶ درصد) خانه‌دار و ۴۰ نفر (۳۶/۴ درصد) شاغل بودند. همچنین میزان تحصیلات آنان به‌ترتیب برابر با فوق دیپلم و لیسانس (۶۳/۶ درصد)، فوق‌لیسانس و بالاتر (۱۹/۱ درصد)، دیپلم (۱۴/۵ درصد) و زیردیپلم (۲/۷ درصد) بود. پایین‌ترین و بالاترین سن در میان مادران، به‌ترتیب برابر با ۲۶ و ۴۷ سال بوده و میانگین سنی آنان برابر با ۳۶/۱۳ (انحراف‌معیار=۵/۰۳) ذکر شده است. همچنین دامنهٔ سنی دانش‌آموزان بین ۷ تا ۱۲ سال است که میانگین سنی آنان برابر با ۹/۱۸ (انحراف‌معیار=۱/۴۶) به دست آمده است.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
فرزندپروری سهل‌گیرانه	۱۱۰	۵	۳۰	۱۷/۳۱	۵/۲۸
فرزندپروری مستبدانه	۱۱۰	۱۱	۳۶	۲۰/۲	۴/۱۵
فرزندپروری مقتدرانه	۱۱۰	۸	۳۴	۱۸/۹۳	۵/۸۲
تنیدگی فرزندپروری	۱۱۰	۳۸	۶۹	۵۶/۵۷	۶/۲۷
رضایت زناشویی	۱۱۰	۹۴	۱۵۵	۱۱۲/۳۵	۱۲/۳۷

[1]. Internal Validity

[2]. Reliability Test

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22222840.1394.5.0.1.5]

MEJDS, Vol 5, Serial No. 11, 2015, 230-241

در جدول ۱ آماره‌های توصیفی متغیرهای سبک‌های فرزندپروری، تنیدگی فرزندپروری و رضایت زناشویی نشان داده شده است.

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، متغیر فرزندپروری مستبدانه رابطهٔ منفی ($p<۰/۰۱$) و فرزندپروری مقتدرانه رابطهٔ مثبت ($p<۰/۰۱$) با متغیر رضایت زناشویی دارند؛ ولی بین متغیرهای سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و رضایت زناشویی رابطهٔ معناداری مشاهده نمی‌شود. همچنین بین متغیرهای تنیدگی فرزندپروری و رضایت زناشویی رابطهٔ منفی معنادار وجود دارد ($p<۰/۰۱$). در مرحلهٔ بعد جهت بررسی سهم سبک‌های فرزندپروری و تنیدگی فرزندپروری در تبیین میزان رضایت زناشویی از تحلیل رگرسیون چندمتغیره به‌شیوهٔ هم‌زمان بهره گرفته شد. برای استفاده از مدل رگرسیون لازم است پیش‌فرض‌های استفاده از آن آزمون شود. بدین‌منظور آزمون کالموگراف‌ـاسمیرنف برای بررسی نرمال‌بودن توزیع انجام شد. نتایج نشان داد که در هیچ‌یک از متغیرها، فرض نرمال‌بودن توزیع معنادار نشده است؛ بنابراین نرمال‌بودن توزیع نمرات برقرار است. همچنین آمارهٔ دوربین‌ـ واتسون، ۱/۸۲ به دست آمده است که در فاصلهٔ ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد؛ فرض استقلال بین خطاها پذیرفته است و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵
۱. فرزندپروری سهل‌گیرانه	۱				
۲. فرزندپروری مستبدانه	۰/۱۷	۱			
۳. فرزندپروری مقتدرانه	ـ۰/۰۳	ـ۰/۳۵**	۱		
۴. تنیدگی فرزندپروری	۰/۰۰۴	۰/۲۷**	ـ۰/۲۴**	۱	
۵. رضایت زناشویی	ـ۰/۰۲	ـ۰/۲۶**	۰/۲۷**	ـ۰/۳۶**	۱

** $p<۰/۰۱$

نتایج جدول ۳ حاکی از آن است که متغیر تنیدگی فرزندپروری ($p<۰/۰۰۱$، $\beta = -۰/۳۴$) و متغیر سبک فرزندپروری مقتدرانه ($p=۰/۰۳$، $\beta = ۰/۱۹$)، ۱۶ درصد از واریانس متغیر رضایت زناشویی را تبیین می‌کنند؛ بنابراین متغیرهای تنیدگی فرزندپروری و سبک فرزندپروری مقتدرانه، توانایی پیش‌بینی رضایت زناشویی مادران دارای کودک پرخاشگر را دارند.

جدول ۳. تحلیل رگرسیون چندمتغیرهٔ هم‌زمان برای پیش‌بینی رضایت زناشویی

متغیرها	R^2	F	β	t	مقدار p
تنیدگی فرزندپروری	۰/۱۶	۱۰/۷۹	ـ۰/۳۴	ـ۳/۴۵	<۰/۰۰۱
فرزندپروری مقتدرانه			۰/۱۹	۲/۱۵	۰/۰۳

بحث

هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطهٔ سبک و تنیدگی فرزندپروری با رضایت زناشویی مادران دارای کودکان پرخاشگر بود. نتایج تجزیه‌وتحلیل آماری اطلاعات نشان دادند که متغیر فرزندپروری مستبدانه، رابطهٔ منفی با رضایت زناشویی دارد. بدین‌صورت که با افزایش رضایت زناشویی میزان سبک فرزندپروری مستبدانه کاهش می‌یابد و برعکس. یافتهٔ بعدی حاکی از آن بود که سبک فرزندپروری مقتدرانه، رابطهٔ مثبت با متغیر رضایت زناشویی دارد، به‌تعبیر دیگر با افزایش یا کاهش رضایت زناشویی، میزان متغیر سبک فرزندپروری مقتدرانه در همان جهت، افزایش یا کاهش می‌یابد. همچنین نتایج نشان دادند که بین متغیرهای سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و رضایت زناشویی، رابطهٔ

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22222840.1394.5.0.1.5]

معناداری وجود ندارد. نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره حاکی از آن بود که از بین سبک‌های فرزندپروری تنها سبک مقتدرانه توان پیش‌بینی رضایت زناشویی را دارد، این خود نشان‌دهندهٔ اهمیت رضایت زناشویی در شیوهٔ فرزندپروری است. این یافته‌ها با بخشی از نتایج پژوهش‌های دیگر همسو است (۱۳،۱۶،۲۹،۳۱،۴۱،۴۴).

در تبیین این یافته‌ها باید به نقش کارکردی رضایت زناشویی توجه داشت. رضایت زناشویی مربوط به تعامل دو جانبهٔ زن و مرد در مسائلی مانند همکاری و هم‌دلی در فرزندپروری، برقراری ارتباط، حمایت از همدیگر و فرزندان تعریف می‌شود (۴۲). به اعتقاد واتسون (۲۰) رضایت زناشویی در بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی افراد تأثیر داشته و ایفای نقش والدینی را آسان می‌سازد. پژوهش‌ها نشان دادند که میزان رضایت زناشویی بیشتر، با سطح پایین‌تر افسردگی و استرس فرزندپروری کمتر و بهبود کارآیی در نقش والدگری در ارتباط است. والدگری ضعیف با اثرات قابل توجهی بر سلامت رفتاری و هیجانی فرزندان همراه خواهد بود (۲۳،۲۶،۲۷،۴۳). به‌علاوه، براجیل و کانوک (۴۵) معتقدند که رضایت زناشویی بهترین پیش‌بینی‌کنندهٔ مشکلات مربوط‌به فرزندپروری است. باتوجه به مطالب ذکرشده، به‌نظر می‌رسد که هرچقدر سطح رضایت زناشویی پدرومادر بالاتر است، آن‌ها به‌عنوان یک تیم، بهتر عمل می‌کنند و این خود باعث تعامل مثبت‌تر بین اعضای خانواده می‌شود.

یافتهٔ دیگر پژوهش این بود که متغیرهای تنیدگی فرزندپروری و رضایت زناشویی رابطهٔ منفی معنادار داشته و این دو متغیر توان پیش‌بینی یکدیگر را دارند. به‌این‌صورت که با افزایش رضایت زناشویی، میزان تنیدگی فرزندپروری کاهش می‌یابد و برعکس. این یافته با نتایج پژوهش‌های دیگر (۴۴ ،۴۹ـ۵۲) همسو است. این پژوهشگران معتقدند که بین رضایت زناشویی و تنیدگی، رابطه وجود دارد. باتوجه به اینکه رضایت زناشویی در حفظ تعادل زندگی و جو عاطفی خانواده نقش حیاتی داشته و مطالبی که پیش از این گفته شد، یکی از عوامل مؤثر برای مقابله با تنیدگی‌ها و فشارهای زندگی و داشتن عملکرد مناسب در زندگی و تعامل با فرزندان به حساب می‌آید (۱۸).

در سال‌های گذشته، استرس بیشتر به‌صورت فردی، بررسی می‌شد و تنها در سال‌های اخیر است که، استرس در زوجین به‌عنوان یک پدیدهٔ کاملاً زوجی یا اجتماعی بررسی می‌شود. باتوجه به این دیدگاه، استرس زوجی[1] نشان‌دهندهٔ یک نوع مشخص از استرس‌های اجتماعی شامل نگرانی های مشترک است (۴۹). تنیدگی فرزندپروری نیز به‌عنوان استرس زوجی می‌تواند رضایت زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد. هنگامی‌که استرس وارد رابطهٔ یک زوج می‌شود، آنان وقت کمتری را باهم صرف می‌کنند که به‌نوبهٔ خود باعث ازدست‌دادن تجارب مشترک، تضعیف احساسات باهم‌بودن، کاهش خودافشاگری و مقابلهٔ ضعیف زوج با استرس می‌شود. از طرفی کیفیت ارتباطات برای مقابله با استرس، به‌واسطهٔ کوتاهی‌کردن یکی یا هردو زوج کاهش می‌یابد و باعث بروز مشکلات جسمانی و عدم انعطاف‌پذیری آنان می‌شود (۵۰). گلن[2] (نقل از ۴۵) در مدل خود گزارش می‌کند که والدین گرفتار در چرخهٔ منفی روابط زناشویی، تمایل‌به دنبال‌نمودن الگویی دارند که در آن مادر احساس عدم حمایت شوهر در زمینهٔ تربیت کودکشان را دارد. زن شروع به انتقادکردن از شوهرش می‌کند که خود منجربه افزایش تعارض زناشویی می‌شود. شوهر احساس نارضایتی از ازدواج می‌کند، بنابراین از مسئولیت خود در قبال فرزند پرخاشگر خود، شانه خالی می‌کند و در نتیجه مادر هم احساس حمایت کمتری می‌کند. باتوجه به یافته‌ها و نکات ذکرشده به نظر می‌رسد که مؤلفه‌های مرتبط با عوامل خانواده در بروز مشکلات برونی‌سازی شده‌ای چون پرخاشگری، سبک فرزندپروی و به‌دنبال آن تنیدگی و استرس حاصل از روش‌های غلط و به‌تبع آن اثر بر رضایت زناشویی است (۱،۶،۱۰).

نتیجه‌گیری

اگر نگاه سیستمی به نظام خانواده شود، باید به این نکته توجه داشت که هر خانواده‌ای تعاملات، عملکردها و

۱. Dyadic Stress

۲. Glenn

مجله مطالعات ناتوانی، دوره ۵، شماره پیاپی ۱۱، ۱۳۹۴، ۲۳۱ـ۲۴۰
MEJDS, Vol 5, Serial No. 11, 2015, 230-241

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.22222840.1394.5.0.1.5]

چرخه‌های زندگی مخصوص‌به‌خود را دارد و هر تجربه‌ای که بر یکی از اعضای خانواده اثر بگذارد، همهٔ اعضای خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. رضایت زناشویی و سبک و تنیدگی فرزندپروری والدین و پرخاشگری فرزند(ان)، به‌عنوان یک چرخهٔ مرتبط با هم هستند و یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در طول زندگی امکان دارد هریک از این مؤلفه‌ها دچار مشکل شده و عواقب کوتاه مدت یا بلند مدت بر عملکرد خانواده داشته باشند. آنچه مسلم است هنگام بروز مشکلات در نظام خانواده باید نقش‌ها، مسئولیت‌ها و شیوهٔ فرزندپروری قبلی بازنگری شوند و سازماندهی مجدد انجام شود. ازآنجاکه روش این پژوهش از نوع همبستگی است، تعیین رابطهٔ علت و معلولی بین متغیرهای پژوهش امکان‌پذیر نیست. محدودیت دیگر پژوهش از آنجا ناشی می شود که عوامل بسیار متعددی بر رضایت زناشویی اثر می‌گذارند و لحاظ‌نمودن تمام این متغیرها کاری دشوار است. در آینده پژوهشگران می‌توانند به‌صورت طرح آزمایشی، به افراد در زمینهٔ رضایت زناشویی، سبک و تنیدگی فرزندپروری آموزش دهند و سپس اثر آن را بر سلامت نظام خانواده بررسی کنند.

مجله مطالعات ناتوانی، دوره ۵، شماره پیاپی ۱۱، ۱۳۹۴، ۲۴۱ - ۲۳۰

MEJDS, Vol 5, Serial No. 11, 2015, 230-241

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22222840.1394.5.0.1.5]

References

1. Archer J. The nature of human aggression. Int J Law Psychiatry. 2009;32(4):202–8.
2. Denson TF, Capper MM, Oaten M, Friese M, Schofield TP. Self-control training decreases aggression in response to provocation in aggressive individuals. J Res Personal. 2011;45(2):252–6.
3. Beier AM, Lauritzen L, Galfalvy HC, Cooper TB, Oquendo MA, Grunebaum MF, et al. Low plasma eicosapentaenoic acid levels are associated with elevated trait aggression and impulsivity in major depressive disorder with a history of comorbid substance use disorder. J Psychiatr Res. 2014;57:133–40.
4. Cima M, Raine A. Distinct characteristics of psychopathy relate to different subtypes of aggression. Personal Individ Differ. 2009;47(8):835–40.
5. Linder JR, Werner NE, Lyle KA. Automatic and controlled social information processing and relational aggression in young adults. Personal Individ Differ. 2010;49(7):778–83.
6. Seo D, Patrick CJ, Kennealy PJ. Role of serotonin and dopamine system interactions in the neurobiology of impulsive aggression and its comorbidity with other clinical disorders. Aggress Violent Behav. 2008;13(5):383–95.
7. Tharp ALT, Sharp C, Stanford MS, Lake SL, Raine A, Kent TA. Correspondence of aggressive behavior classifications among young adults using the Impulsive Premeditated Aggression Scale and the Reactive Proactive Questionnaire. Personal Individ Differ. 2011;50(2):279–85.
8. Berkowitz L. Encyclopedia of Violence, Peace, and Conflict. Academic Press; 2008, p:29-38.
9. Faris R, Ennett S. Adolescent aggression: The role of peer group status motives, peer aggression, and group characteristics. Soc Netw. 2012;34(4):371–8.
10. Ferns T. Considering theories of aggression in an emergency department context. Accid Emerg Nurs. 2007;15(4):193–200.
11. Afrooz, Gh. Psychology of marriage and polygamy glory. Tehran: Tehran University; 2012. [Persian].
12. Rosenthal ET, Biesecker LG, Biesecker BB. Parental attitudes toward a diagnosis in children with unidentified multiple congenital anomaly syndromes. Am J Med Genet. 2001;103(2):106–14.
13. Stoneman Z, Gavidia Payne S. Marital adjustment in families of young children with disabilities: Associations with daily hassles and problem-focused coping. J Inf. 2006;111(1):126-38.
14. Stroud CB, Durbin CE, Saigal SD, Knobloch-Fedders LM. Normal and abnormal personality traits are associated with marital satisfaction for both men and women: An actor–partner interdependence model analysis. J Res Personal. 2010;44(4):466–77.
15. Kazdin AE, Marciano PL, Whitley MK. The therapeutic alliance in cognitive-behavioral treatment of children referred for oppositional, aggressive, and antisocial behavior. J Consult Clin Psychol. 2005;73(4):726-30.
16. Yuksel M, Canel AN. The Analysis of Social Competency and Anti-social Behaviors of Children Aged Between 4 and 5 from the Perspective of Marital Satisfaction and Some Other Variables. Procedia-Soc Behav Sci. 2012;46:4973–80.
17. Alder ES. Age, education level, and length of courtship in relation to marital satisfaction. 2010.
18. Krivickas KM, Sanchez LA, Kenney CT, Wright JD. Fiery wives and icy husbands: Pre-marital counseling and covenant marriage as buffers against effects of childhood abuse on gendered marital communication? Soc Sci Res. 2010;39(5):700–14.
19. Homish GG, Leonard KE, Cornelius JR. Illicit drug use and marital satisfaction. Addict Behav. 2008;33(2):279–91.

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22222840.1394.5.0.1.5]

20. Watson SL. Families and differential diagnosis of developmental disability. J Dev Disabil. 2008;14(3):1–14.
21. Baumrind D. Effective parenting during the early adolescent transition. In: Family transitions. NJ; 1991. p. 121–40.
22. George M. Relations between Parenting Styles and the Social Status of School. [MS Thesis]. Florida State University, Department of Family and Child Sciences; 2004.
23. Amato PR, Fowler F. Parenting practices, child adjustment, and family diversity. J Marriage Fam. 2002;64(3):703–16.
24. DeKlyen M, Speltz ML, Greenberg MT. Fathering and early onset conduct problems: Positive and negative parenting, father–son attachment, and the marital context. Clin Child Fam Psychol Rev. 1998;1(1):3–21.
25. Muller RT, Diamond T. Father and mother physical abuse and child aggressive behaviour in two generations. Can J Behav Sci Can Sci Comport. 1999;31(4):221–8.
26. Trautmann Villalba P, Gschwendt M, Schmidt MH, Laucht M. Father–infant interaction patterns as precursors of children's later externalizing behavior problems. Eur Arch Psychiatry Clin Neurosci. 2006;256(6):344–9.
27. Verlaan P, Schwartzman AE. Mother's and father's parental adjustment: Links to externalising behaviour problems in sons and daughters. Int J Behav Dev. 2002;26(3):214–24.
28. Haghighi M, Khalilzadeh R. A Survey on relationship between marital satisfaction and parenting styles. Razi Hospital of Psychiatry. 2011;10: 1-36. [Persian]
29. Schwebel DC, Roth DL, Elliott MN, Chien AT, Mrug S, Shipp E, et al. Marital conflict and fifth-graders' risk for injury. Accid Anal Prev. 2012;47:30–5.
30. Boyes MC, Allen SG. Styles of parent-child interaction and moral reasoning in adolescence. Merrill-Palmer Q 1982. 1993;551–70.
31. Kitzmann KM. Effects of marital conflict on subsequent triadic family interactions and parenting. Dev Psychol. 2000;36(1):3-12.
32. Steinberg L, Lamborn SD, Darling N, Mounts NS, Dornbusch SM. Over-time changes in adjustment and competence among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent, and neglectful families. Child Dev. 1994;65(3):754–70.
33. Lamborn SD, Mounts NS, Steinberg L, Dornbusch SM. Patterns of competence and adjustment among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent, and neglectful families. Child Dev. 1991;62(5):1049–65.
34. Klein HA, O'bryant K, Hopkins HR. Recalled parental authority style and self-perception in college men and women. J Genet Psychol. 1996;157(1):5–17.
35. Van Gastel W, Legerstee JS, Ferdinand RF. The role of perceived parenting in familial aggregation of anxiety disorders in children. J Anxiety Disord. 2009;23(1):46–53.
36. Abar B, Carter KL, Winsler A. The effects of maternal parenting style and religious commitment on self-regulation, academic achievement, and risk behavior among African-American parochial college students. J Adolesc. 2009;32(2):259–73.
37. Law DM, Shapka JD, Olson BF. To control or not to control? Parenting behaviours and adolescent online aggression. Comput Hum Behav. 2010;26(6):1651–6.
38. Fouladchang M. Family patterns of adolescent adjustment. Journal of Family Studies. 2006; 7, 209-21. [Persian]
39. Seyedmoosavi P, NadAli H, Ghanbari S. The Study of Relationship between Parenting Styles and Externalizing Symptoms in 7 to 9 Year Old Children. Journal of Family Research. 2008;4 (13): 37-49. [Persian]
40. Heidari M, Dehghani M, Khodapanahi MK. The Impact of Perceived Parenting Style and Gender on Self-Handicapping. Journal of Family Research. 2009;5 (2):125-37. [Persian]

MEJDS, Vol 5, Serial No. 11, 2015, 230-241
[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.22222840.1394.5.0.1.5]
مجله مطالعات ناتوانی، دوره ۵، شماره پیاپی ۱۱، ۱۳۹۴، ۲۴۱ - ۲۳۰

41. Yu JJ, Gamble WC. Pathways of influence: Marital relationships and their association with parenting styles and sibling relationship quality. J Child Fam Stud. 2008;17(6):757–78.
42. Sokolski DM, Hendrick SS. Fostering marital satisfaction. Fam Ther. 1999;26(2):39–49.
43. Kersh J, Hedvat TT, Hauser-Cram P, Warfield ME. The contribution of marital quality to the well-being of parents of children with developmental disabilities. J Intellect Disabil Res. 2006;50(12):883–93.
44. Minnotte KL, Pedersen D, Mannon SE. The emotional terrain of parenting and marriage: Emotion work and marital satisfaction. Soc Sci J. 2010;47(4):747–61.
45. Bragiel J, Kaniok PE. Fathers' marital satisfaction and their involvement with their child with disabilities. Eur J Spec Needs Educ. 2011;26(3):395–404.
46. Clark DA, Steer RA, Beck AT. Common and specific dimensions of self-reported anxiety and depression: implications for the cognitive and tripartite models. J Abnorm Psychol. 1994;103(4):645.
47. Clak DA, Beck AT. Scientific foundations of cognitive theory and therapy of depression. John Wiley & Sons; 1999.
48. Mendlowicz MV, Stein MB. Quality of life in individuals with anxiety disorders. Am J Psychiatry. 2014;157:669–82.
49. Randall AK, Bodenmann G. The role of stress on close relationships and marital satisfaction. Clin Psychol Rev. 2009;29(2):105–15.
50. Bodenmann G, Ledermann T, Bradbury TN. Stress, sex, and satisfaction in marriage. Pers Relatsh. 2007;14(4):551–69.
51. Roopnarine JL, Church CC, Levy GD. Day care children's play behaviors: Relationship to their mothers' and fathers' assessments of their parenting behaviors, marital stress, and marital companionship. Early Child Res Q. 1990;5(3):335–46.
52. Culp AM, Culp RE, Noland D, Anderson JW. Stress, marital satisfaction, and child care provision by mothers of adolescent mothers: Considerations to make when providing services. Child Youth Serv Rev. 2006;28(6):673–81.
53. Achenbach TM, Dumenci L, Rescorla LA. Ten-year comparisons of problems and competencies for national samples of youth self, parent, and teacher reports. J Emot Behav Disord. 2002;10(4):194–203.
54. Achenbach TM, Dumenci L, Rescorla LA. Are American children's problems still getting worse? A 23-year comparison. J Abnorm Child Psychol. 2003;31(1):1–11.
55. Achenbach TM, Rescolar LA. Manual for the ASEBA school age: Form and profiles. Burlington, VT: University of Vermont. College of psychiatry. 2001: 20-60.
56. Achenbach TM. Integrative guide for the 1991 CBCL/4-18, YSR, and TRF profiles. Department of Psychiatry, University of Vermont; 1991.
57. Minaei A. Adaptation and standardization of the Child Behavior Checklist Aachen Bach, self-assessment questionnaire and teacher report form. Research on Exceptional Children. 2006;1:515-28. [Persian]
58. Afrooz. GH, Pasha Sharifi H, Ejhei J, Ghodrati M. Examine the relationship between male and female school students gifted with creativity and intelligence. Journal of Educational Leadership and Management. 2009;7:109-24. [Persian]
59. Berry JO, Jones WH. The parental stress scale: Initial psychometric evidence. J Soc Pers Relatsh. 1995;12(3):463–72.
60. Hasan Zadeh S. Parental stress in mothers of deaf children: the use of cochlear implants and hearing aids. Journal of Psychosocial and Educational Sciences. Tehran University. 2012;41:51-62. [Persian]

MEJDS, Vol 5, Serial No. 11, 2015, 230-241
مجله مطالعات ناتوانی، دوره ۵، شماره پیاپی ۱۱، ۱۳۹۴، ۲۴۱ - ۲۳۰
[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.22222840.1394.5.0.1.5]

61. Esfandiari GH. Methods of parenting mothers and mothers of normal children with behavioral disorders and the effects of parental education on children's behavioral disorders. [MA thesis]. Tehran Psychiatric Institute, 2006. [Persian]

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22222840.1394.5.0.1.5]